

آرمان های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

اشارت

اگرچه مبحث «تغییرات اجتماعی» از دیرباز مورد توجه متفکران مختلفی، از ارسطو و افلاطون گرفته تا نظریه پردازان جدید متأخر همانند مارکس، مارکوزه و آرننت، بوده - و در این خصوص طیف متنوعی از تئوری‌ها پیشنهاد شده است - با این حال حساسیت و اهمیت موضوع می‌طلبد تا از منظر تازه‌ای این پدیده مهم سیاسی، مورد بازنگری قرار گیرد. به همین دلیل مشاهده می‌شود که علی‌رغم حجم عظیم تحقیقات به عمل آمده، در زمینه «شناسایی انقلاب»، هنوز هم گفتنی‌های بسیاری وجود دارد که جای آنها در مطالعات موردی، خالی است. مهم‌ترین مصداق این ادعا وقوع انقلاب اسلامی در ایران است که تعدادی از متفکران بنام این رشته را به تجدید نظر در یافته‌های قبلی‌شان وادار کرده است. ضرورت این بازنگری از صبغه مذهبی انقلاب ما ناشی می‌شود و این که انقلاب اسلامی در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد و لازم است تا در گونه شناسی انقلاب، جایگاه متمایزی را به خود اختصاص دهد، لذا ما در این نوشتار به ارائه

یک تقسیم‌بندی جدید از انقلاب‌ها همت می‌گماریم که در آن انقلاب‌ها بر اساس آرمان‌های انقلابیون، از یکدیگر تفکیک می‌شوند. این تقسیم‌بندی در کنار دیگر موارد مشابه - تقسیم‌بندی‌هایی که بر اساس ملاک‌های فلسفی، تاریخی، اقتصادی، انسانی، اخلاقی و... صورت پذیرفته‌اند می‌تواند در معرفی هرچه بهتر انقلاب اسلامی مؤثر باشد. انقلاب‌ها را می‌توان از این دیدگاه به سه دسته تقسیم نمود:

نخست: انقلاب‌هایی که آرمان عالی و اولیه آنها نیل به یک جامعه بی‌طبقه - جامعه‌ای که در آن مساوات اقتصادی نمود کامل داشته باشد - است. تحولات انقلابی رخ داده در کشورهای مارکسیستی را می‌توان در این قسمت جای داد.

دوم: انقلاب‌هایی که تأسیس یک جامعه مبتنی بر آزادی فردی و رفاه شخصی را آرمان متعالی خود برگزیده‌اند و هر آنچه را که به نحوی در تقابل با این آزادی افسار گسیخته باشد به کناری می‌نهند. جوامع به اصطلاح لیبرال چنین فرآیندی را پشت سر گذاشته‌اند و هم اکنون سعی دارند در قالب شعارهای انسان دوستانه، کالاهای فرهنگی خود را به دیگر کشورها صادر نمایند.

سوم: انقلاب‌هایی که اصل را بر تربیت «انسان‌های الهی» گذارده‌اند و تأسیس یک

جامعه خدایسند را آرمان عالی خود قرار داده‌اند. در این انقلاب‌ها فقط تأمین

معاش دنیوی و آسایش عمومی ملاک نیست، بلکه غرض اصلی به کارگیری این

ابزار برای تحقق یک وضعیّت متعالی‌تر در درون جامعه می‌باشد و آن این که

جامعه‌ای صالح و پاک ایجاد شود که افراد در درون آن بتوانند به تکامل معنوی

خویش نایل آیند. انقلاب بزرگ حضرت رسول(ص) نمونه عالی این دیدگاه است

و در عصر حاضر «انقلاب اسلامی ایران» را داریم که در نوع خود منحصر به فرد

می‌باشد.

اگرچه امکان دستیابی به نمونه‌هایی که ترکیبی از دو یا سه دیدگاه فوق باشند، وجود دارد، اما عمده‌ترین آنها - در این مقال - همان است که پیش از این گفته شد. برای درک هر چه بهتر این گونه شناسی تذکر مطالب زیر ضروری است.

۱) اساسا انقلاب در گفتمان اسلامی، تعریف خاص خود را دارد و برای همین

منظور لفظ ویژه‌ای نیز جعل شده است. همان گونه که می‌دانیم انقلاب به معنای

«زیر و رو شدن»، «واگردیدن» و «برگشتن» در سده هفدهم به عنوان یک اصطلاح

شایع و مقبول در حوزه سیاسی مطرح می‌شود که معنای اصطلاحی آن

«واژگونی تمام عیار حکومت و یا دولت و جایگزینی حاکم و یا دولت جدید از

طریق خشونت» می‌باشد. اگرچه این مفهوم در طی زمان از ظرافت و ابعاد تئوریک

تازه‌ای برخوردار شده است - به گونه‌ای که امروز با طیف وسیع و متنوعی از

تئوری‌های انقلاب مواجه‌ایم اما در مقام ارزیابی باید اعتراف کرد که همه اینها از

تبیین جامع انقلاب اسلامی عاجزند. چرا که مقوله انقلاب در بینش اسلامی

تعریفی به خصوص دارد که با تعاریف مشابه از حیث محتوا متفاوت است. کلمه

«انقلاب» اگرچه در گفتمان اسلامی به معنای سیاسی‌اش نیامده، ولی اصطلاح

«امر به معروف و نهی از منکر» به طور واضح و آشکاری بر این معنا دلالت دارد.

این اصطلاح شامل تمامی اشکال و صور تغییر اجتماعی از اصلاح گرفته تا انقلاب

می‌شود و دارای سه مؤلفه اساسی است: ۲

نخست: بُعد آرمانی انقلاب که به انگیزه متعالی «آمر به معروف و نهی از منکر»

باز می‌گردد. بر این اساس تنها آرمان مشروع برای اقدام به انقلاب «به سامان

کردن امور جامعه متناسب با سیره و ارزش‌های نبوی» است و اگر این بُعد

معنوی از انقلاب ستانده شود، دیگر انقلاب، اسلامی نیست. ۳

دوم: بُعد مادی انقلاب، که به شکل تعارض انقلابی‌ها با حکام ستمگر متجلی شده

و در اصطلاح رایج از آن به خشونت یاد می‌شود.

سوم: بُعد معرفتی انقلاب است که به «آگاهی توده‌های انقلابی» برمی‌گردد.

توضیح آن که امر به معروف و نهی از منکر باید با آگاهی در این راه گام بردارد

و اگر به مقتضای آگاهی کاذب و یا جهل خود دست به حرکتی بزند، دیگر نمی‌توان

آن را «انقلاب اسلامی» قلمداد کرد. ۴

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان «انقلاب» را این گونه تعریف کرد:

انقلاب عبارت است از «امر به معروف و نهی از منکری که توسط مردمی آگاه،

متحول و شعور یافته با انتخاب و اختیار، به‌طور همزمان و جمعی در مقابل

سلطان یا پادشاه و هیأت حاکمه ستمگر، طی مراحل خاص برای تغییر در

ساختها، نهادها، ارزش‌های مسلط و به تعبیری بهتر، احیای سنت‌های رسول

خدا و امامت بدعت‌ها، تحریفات و منکرات، تحت رهبری فردی واجد شرایط به

طریقی خشونت‌آمیز، صورت می‌گیرد».^۵

بدین ترتیب معلوم می‌شود که «انقلاب اسلامی» از حیث محتوا و تا حدودی در

روش، از دیگر انقلاب‌ها متمایز است و آنچه تحت عنوان «بُعد آرمانی انقلاب»

طرح می‌گردد ناظر بر همین وجه است.

(۲) انقلاب اسلامی ایران در این نوشتار به محدوده تاریخی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ منحصر

نمی‌شود، بلکه دوران تأسیس جمهوری اسلامی را نیز در بر می‌گیرد، لذا تفکیک

تحولات ایران به دوران انقلاب و حکومت صحیح به نظر نمی‌رسد، چرا که تبعات

سویی را به دنبال دارد؛ از آن جمله تفکیک فوق به طرح این شبهه منجر می‌شود

که مقتضیات، اهداف، روش و اصول مورد قبول دوران حکومت با دوره انقلاب

متفاوتند، در حالی که اندیشه اسلامی این استدلال را بر نمی‌تابد و معتقد است ارزش‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های انقلابی در دوران تأسیس دولت باید دنبال شوند و از این حیث این دو مرحله پیوند درونی دارند و به عبارت بهتر، دوران تأسیس مرحله تحقق عینی آرمان‌های

انقلابی است. به همین خاطر، در نوشتار حاضر سعی شده است مجموعه آرمان‌های انقلاب در قالب ساختاری واحد، برای آگاهی بخشی به مسؤولان و مردم ارائه گردد.

۳) ماهیت اصلی این بحث اساساً «آسیب شناسانه» می‌باشد، بدین معنی که مؤلف سعی دارد با قبول اصل مذکور در بند دوم، آرمان‌هایی را که انقلاب برای تحقق آنها رخ داده، به‌طور روشن و شفاف از زبان امام خمینی(ره) ارائه دهد و بدین وسیله مسؤولان را از رسالت خطیرشان و ملت را از جایگاه رفیع‌شان - مبنی بر جلوگیری از بروز هرگونه انحرافی در روند مستمر انقلاب - آگاه سازد. بدیهی است که آگاهی، شرط اول برای عمل صالح است و تذکر این مطلب می‌تواند برای همگان مثمر باشد. البته تقسیم بندی حاضر را نمی‌توان تنها الگوی ممکن مطرح

کرد، چه بسا هدف فوق از طریق ارائه الگوهای دیگری نیز تأمین شود که در آن صورت می‌توان آنها را مکمل بحث حاضر طرح و بررسی کرد.

۴) با توجه به تعریف ما از انقلاب معلوم می‌شود که «رهبری» در آن نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید، بنابراین در نگارش تحقیق حاضر روشی اتخاذ شده است که بتواند در تبیین آرمان‌های انقلاب مؤثر و کارآمد باشد. برای این منظور ضمن اتخاذ رویکردی توصیفی - ترکیبی به «انقلاب اسلامی»، مجموع سخنان امام خمینی(ره) را فراروی خود قرار داده، سعی نموده‌ایم با ارائه ترکیبی مناسب از گفتارهای ایشان دو غرض کلی را تأمین کنیم:

نخست: آرمان‌های اصیل انقلاب را از زبان امام خمینی(ره) متذکر شویم.

دوم: «بایدها»ی سیاست‌های اجرایی جمهوری اسلامی و ملت ایران را برای

آبادانی هرچه بیشتر کشور در دهه‌های آتی، مشخص نمائیم.

لذا در ضمن سطور آتی به شرح آرمان‌های انقلاب اسلامی در سه حوزه فرهنگی،

تربیتی، اقتصادی و سیاسی خواهیم پرداخت.

الف) آرمان‌های فرهنگی - تربیتی

آرمان‌های فرهنگی - تربیتی عمده‌ترین حوزه تأملات نظری انقلابی‌ها را تشکیل می‌دهد و از این حیث انقلاب اسلامی کاملاً متأثر از رهیافت فرهنگی اسلام است، آن جا که اسلام خود را دین انسان ساز معرفی می‌نماید. بر همین اساس امام(ره) «تربیت انسان صالح» را در رأس برنامه‌های انقلابی‌اش قرار داده، صریحاً اظهار می‌دارد:

«آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست و آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است.»^۶

به همین خاطر است که می‌بینیم آرمان‌های انقلابی امام خمینی(ره) بیشتر صبغه تربیتی می‌یابد که می‌توان آنها را در دو بُعد مورد بررسی قرار داد:

۱. بُعد فردی: تربیت انسان‌هایی فرهیخته و متقی

شهید مطهری، در تبیین این بُعد از انقلاب اسلامی بیان داشته‌اند: معنویت از ارکان واقعی این انقلاب بوده و مایه حیات انسان می‌باشد، لذا تحقق یک جامعه

اسلامی که در آن ارزش‌های الهی نمود تام دارند، به پرورش انسان‌هایی منوط است که به آداب و ارزش‌های اسلامی مزین باشند. ۷. به تعبیر دیگر «حکومت صالحان» از این حیث حکومتی است که در آن افراد به ایمان الهی تمسک جسته، تهذیب نفسانی را پیشه خود ساخته و به طور کامل ارزش‌های الهی را بر مملکت وجودی خویش مسلط ساخته‌اند به گونه‌ای که در آن از خودبینی و غول سرکش «منیت» هیچ گونه خبری نیست.

مطلب فوق از این حیث قابل توجه می‌نماید که در بینش‌های غیر الهی امر خطیر پرورش انسان‌ها به فراموشی سپرده می‌شود و معمولاً مسائل اقتصادی، سیاسی و... به غلط در کانون تحلیل‌ها و حرکات انقلابی قرار می‌گیرند، در حالی که امام خمینی (ره) اصل اولیّه را بر تحوّل افراد گذارده صراحتاً می‌فرماید:

«تمام عبادات وسیله است... که آنچه بالقوه است و لبّ انسان است به فعلیت

برسد و انسان بشود... یک انسان الهی بشود».^۸

۲. بُعد اجتماعی: ایجاد یک جامعه خدایسند

معنویت به نظر امام (ره) به مملکت درونی افراد منحصر نیست، و چنان نیست که

قوای درونی افراد را به اعتدال و سلامت رهنمون شود، بلکه فزاینده‌تر از آن، نسیم

معنویت باید در تمام زوایای اجتماعی بوزد و برای این منظور لازم است تا

«تبلیغ» اصول اسلامی به صورت نهادی در درون جامعه اسلامی دنبال شود و در

ضمن، فرهنگ دعوت به «ارزش‌های متعالی اسلامی» در میان کلیه آحاد اجتماعی

جاری و حاکم شود. به همین خاطر امام خمینی(ره) نخست رو به عموم مردم

نموده، وظیفه الهی آنان را تبیین می‌نمایند و سپس مؤسسات مختلف تربیتی را -

تک تک - مورد خطاب قرار داده رسالتشان را یادآور می‌شوند. به‌طور کلی

آرمان‌های تربیتی امام خمینی(ره) را می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی کرد:

گروه اول: آرمان‌های همگانی.

نخست: حاکمیت روحیه دلسوزی نسبت به سرنوشت انسان‌ها بر جامعه:

«پیغمبر اسلام برای این که مردم تربیت نمی‌شدند غصّه می‌خوردند، به طوری که

خدای تبارک و تعالی او را تسکین می‌داد... و هر انسانی باید این طور باشد که

متأسف باشد برای آنهایی که نمی‌آیند به خط اسلام و خط انسانیت».۹

بنیان «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه اسلامی بر اصل فوق گذارده شده

است و این که در جامعه اسلامی افراد نمی‌توانند نسبت به سرنوشت دیگران بی‌اعتنا باشند، لذا از روی «دلسوزی» و نه «طمع» و یا «کینه» برای نجات آنها از ضلالت به پا می‌خیزند و به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. وجود چنین روحیه‌ای است که جامعه آرمانی را به قبول اصل دوم رهنمون می‌شود و آن

پذیرش «مسئولیت دسته جمعی» در قبال هدایت جامعه می‌باشد.

دوم: داشتن مسئولیت دسته جمعی

از نکات جالب توجه در کلام امام(ره) یکی این است که ایشان هیچ‌گاه یک مؤسسه یا نهاد خاص را مسؤول و عهده‌دار تربیت مردم نمی‌دانستند، بلکه ضمن اشاره به کارکرد و رسالت هر یک از این نهادها، نهایتاً متذکر می‌شدند که ملت و دولت لازم است در راه اصلاح فرهنگ جامعه دست به دست هم بدهند و کاستی‌ها را رفع نمایند؛ به عنوان مثال، اگر چه مدارس را مکلف به تربیت صحیح دانش‌آموزان می‌نمایند ۱۰ ولی به همان بسنده نکرده، والدین و خانواده‌های آنها را نیز مورد خطاب قرار داده، مسئولیت شرعی‌شان را یادآور می‌شوند ۱۱ و در کنار همه اینها

به دیگر نهادهای اجتماعی گوشزد می‌نماید که، باید این نسل را از مفسد و بلایای

اجتماعی حفظ کنند، لذا یک جامعه آرمانی جامعه‌ای است که افراد آن در قبال

سرنوشت تمامی مردم مسؤولند.

گروه دوم: آرمان‌های ویژه مؤسسات تربیتی - فرهنگی

البته امام خمینی(ره) واقع‌گرا تر از آن بودند که امر خطیری هم‌چون تربیت

انسان‌ها را تنها به احساس درونی افراد موقوف سازند. برای همین، روی تک تک

مؤسسات تربیتی انگشت گذارده و نحوه فعالیت‌های آنها را متذکر می‌شوند.

آنچه در این جا مدّ نظر می‌باشد، نه شیوه‌های عملی، بل اصول کلی حاکم بر کلیه

مؤسسات است که در مجموع نشان‌دهنده وضعیت آرمانی مؤسسات تربیتی در

جامعه اسلامی است، وضعیتی که در آن اصول ذیل نمود تام دارند:

اصل اول: صالح بودن کارگزاران امور تربیتی

حوزه ، دانشگاه، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... دیگر نهادهای تربیتی آن گاه

می‌توانند مثمر واقع شوند که در مقام نخست خود «صالح» باشند، لذا وجود

نهادهای صالح از جمله بلندترین آرمان‌های امام(ره) به حساب می‌آیند.

«آن قدر که کشور ما از دانشگاه و فیضیه صدمه دیده است از جاهای دیگر ندیده

است. باید هر دوی اینها مهذب باشند و علمای اسلام و اساتید دانشگاه با هم

پیوند داشته باشند» ۱۲

اصل دوم: وجود توافق عمومی بین کلیه مؤسسات برای نیل به هدفی واحد (به

ویژه حوزه و دانشگاه)

هماهنگ بودن نهادهای تربیتی برای نیل به این هدف مقدس کرارا مورد تأکید

امام(ره) قرار گرفته است و ایشان به تناسب در مواقع مختلف این اصل مهم را

تذکر داده‌اند که:

«دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیون و طلاب علوم

اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و

توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند» ۱۳

و یا این که:

«لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی با هم احترام متقابل داشته باشند.

از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها در این چند صد سال شده... تا از تفرقه استفاده

هرچه بیشتر ببرند احتراز کنند» ۱۴.

اصل سوم: جمع تعهد و تخصص در کلیه نهادها

مقام تربیت برای معلمانی است که در کار خود تخصص دارند و نسبت به اهداف

متعالی آن از تعهد لازم برخوردارند، لذا حضرت امام(ره) سفارش اکید دارند که

این منصب تنها به کسانی واگذار شود که دارای ویژگی فوق باشند و اگر روزی

برسد که تمامی مسؤولان اجتماعی متعهد و متخصص باشند، در آن صورت

وصول به یک جامعه اسلامی به میزان قابل توجهی ممکن و میسر خواهد

رسید:

«ما انسان دانشگاهی می‌خواهیم نه معلم و دانشجو، دانشگاه باید انسان ایجاد

کند... مهم این است که یک کسی که از دانشگاه بیرون می‌آید بفهمد که من با

بودجه این مملکت تحصیل کرده‌ام... و باید برای این مملکت خدمت بکنم» ۱۵ و یا

این که:

«ما با تخصص مخالف نیستیم، با علم مخالف نیستیم، با نوکری اجانب مخالفیم...

ما می‌خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان

باشند» ۱۶.

تعبیر دیگر حضرت امام خمینی(ره) در این خصوص: «حضور حزب اللهی‌ها»ی

باسواد و متدین در تمامی صحنه‌های انقلاب می‌باشد که نهادهای تربیتی با توجه

به اهمیت‌شان در اولویت هستند. ۱۷.

ادامه دارد فرقی با دیگران ندارند». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۰).

ب) آرمان‌های سیاسی انقلاب اسلامی

تحول در ساختار سیاسی نمود اولیه هر انقلاب سیاسی است، لذا می‌بینیم که

داعیه رهبران انقلابی ما نیز آن بود که از پی خرابی نظام شاهنشاهی، نظام

تازه‌ای را آورده‌اند که آرمان‌های ویژه خود را دارد. گفتنی است که تأسیس چنین

نظامی اساساً بزرگ‌ترین آرمان سیاسی امام(ره) را تشکیل می‌داد، چرا که بعد از

حکومت اسلامی حضرت امیرالمؤمنین(ع) تاریخ اسلام از داشتن یک «حکومت

اسلامی» به زعامت ولیّ آگاه، مدیر و مدبّر محروم مانده بود و انقلاب اسلامی

زمینه حاکمیت چنین نظامی را فراهم آورد.

اول - تأسیس جمهوری اسلامی

«جمهوری اسلامی» در دیدگاه امام خمینی(ره) تعریف و ویژگی‌های خاصی دارد که از همان ابتدا مورد تأکید امام(ره) بود.

«حکومت اسلامی حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی. در حکومت اسلامی

استقلال کامل حفظ می‌شود، ما خواستار جمهوری اسلامی می‌باشیم، جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم، که قوانین الهی

است.» ۱۸.

لذا اعتبار جمهوری اسلامی به «پیاده کردن احکام الهی» و «احقاق حقوق

مستضعفان» است و این که سیره عملی «حضرت رسول(ص)» و

«امیرالمؤمنین(ع)» را فراروی قرار داده، سعی در تحقق عملی آنها در عصر حاضر

بنماید.

دوم: احقاق حقوق مستضعفان

«حکومت اسلامی» بنابر نصّ الهی، خود را موظّف می‌داند که از مظلوم حمایت

کرده و بر ظالم بتازد و به نفی عملی کاربرد «پول» و «قدرت» در تعیین

سیاست‌های اجرایی نظام بپردازد. لذا می‌بینیم که ایشان با صراحت تمام

می‌فرمایند:

«بحمدالله امروز همه دست اندرکارهایمان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت

کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که

باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم... خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و

سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به

حمایت از سرمایه‌داری گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری

برخوردار بشوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه

معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست.» ۱۹

تأکید حضرت امام(ره) بر جایگاه رفیع ملت سخت کوش ایران و بیان خصال

نکوی ایشان که در طول تاریخ اسلام کمتر سابقه دارد، در همین رهگذر انجام

پذیرفته است و این کلام امام(ره) سرلوحه کار همه عاشقان، «خدمت به ملت»

می‌باشد که:

«به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانند و

در خدمت‌گزاری به آنان... فروگذار نکنند.» ۲۰

سوم: جلب رضایت مردم در چارچوب فرامین الهی

در نظر امام «دولت مزاحم» نمی‌تواند یک نمونه خوب از حکومت اسلامی به حساب آید، چرا که حکمت جعل دولت رفع حوائج - دنیایی و اخروی - مردم است، لذا یک دولت اسلامی آرمانی آن است که برای مردم ایجاد زحمت نکند، بلکه با ارائه خدمات لازم، رضایت آنها را جلب نماید:

«ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگانه گاهی موجب غضب الهی می‌شود... بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر

ملت [نمود]» ۲۱.

به همین منظور است که امام(ره) ایجاد یک رابطه صمیمی بین دولت و مردم، ۲۲ عدم بهانه‌جویی و نپرداختن به کاغذبازی ۲۳ را جلوه‌های عملی از این وضعیت آرمانی مورد تأکید قرار می‌دهند.

چهارم: ایجاد فضایی مملو از صلح و دوستی

سیاست مطلوب از دیدگاه امام(ره) آن است که بتواند، سرانجام «صلح و دوستی» را در فضای داخلی و حتی جهانی، حاکم سازد. لذا مشاهده می‌شود که

حضرت امام(ره) آرمان بلندی هم‌چون «تحقق صلح جهانی» را هدف غایی انقلاب اسلامی مطرح می‌سازند:

«ما صلح می‌خواهیم، ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم باشیم. ما می‌خواهیم

مسالمت با همه دنیا داشته باشیم» ۲۴.

البته روش نیل به این هدف را امام(ره) با وضوح تمام برای کلیه دولت‌های جهانی تشریح می‌نماید تا ادعای فوق‌حمل بر ضعف و سستی و یا محافظه‌کاری دست اندرکاران انقلاب اسلامی در ایران نگردد. لذا می‌بینیم که ایشان شعار «نه ظلم می‌کنیم و نه مظلوم واقع می‌شویم» ۲۵ را سرلوحه برنامه سیاسی انقلاب قرار داده، با تأکید بر رسالت الهی «حمایت از مظلومان» اظهار می‌دارند که در پی ایجاد یک فضای مسالمت‌آمیز با ملل اسلامی ۲۶ و تمامی مردمان جهان هستند. ۲۷ با قبول این روش است که می‌توان عملکرد دوستانه ملت و دولت ایران را در قبال جامعه جهانی درک کرد، سیاستی که مبتنی بر دوستی با هر آن دولت و ملتی است که حداقل بر اساس «اصول انسانی» عمل می‌نماید. ۲۸.

پنجم: حاکمیت بلامنازع ارزش‌های الهی و نفی تمامی اولویت‌های غیر اسلامی

حضرت امام(ره) از ابتدای شروع نهضت، مکرراً اظهار می‌داشتند که جامعه

اسلامی باید به آن جایی برسد که همه خود را در قبال حضرت حق و خلق خدا

مسئول بدانند و چنان نباشد که کسی به واسطه دوستی، دارایی، توانایی و...

بخواهد از زیر بار وظایف شرعی اش شانه خالی کند.

«این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه،

به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم، با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف

اسلام [در مملکت] نباشد». ۲۹

این اصل کلی، اول از همه شامل مسؤولین مملکتی، روحانیان، افراد ذی نفوذ و

مراتب بعدی شامل تمامی آحاد مردم می‌شود و چنان نیست که «مقام» و یا

«قدرت» کسی را معاف کرده یا تخصیص بزند، بلکه بر عکس، مسؤولیت فرد را

زیادتر می‌کند:

«با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی... به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به

عنوان معممین، یک قدم خلاف برندارند... این در نظر من از همه چیز اهمیتش

بیشتر است و مسؤولیتش هم بیشتر». ۳۰

نحوه بیان این آرمان توسط حضرت امام(ره) نیز بسیار قابل توجه می‌نماید.

ایشان ابتدا خود را مثال می‌زنند، می‌فرمایند:

«اگر من، یک پایم را کنار گذاشته، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند پایت را

کج گذاشتی، خودت را حفظ کن... توجه داشته باشند که مبدا من یک وقت یک

کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم، [آنها موظفند] اعتراض کنند، بنویسند،

بگویند». ۳۱

سپس به مقامات دولتی اشاره کرده، می‌فرمایند مردم باید مواظب انحراف‌های

احتمالی آنها باشند:

«آن روز که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت

طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا

شد... آن وقت باید جلوش را بگیرند». ۳۲

و سرانجام به مردم خطاب می‌نمایند که خود ایشان نیز باید در طریق مستقیم

الهی بوده باشند و از هرگونه خطا و لغزشی دوری نمایند. ۳۳

ج (آرمان‌های اقتصادی

توجه به اصل مهم تحقق عینی ارزش‌های الهی در جامعه، نه تنها امام(ره) را از پرداختن به مسائل معیشتی مردم باز نمی‌داشت، بلکه موجب آن شد تا ایشان با رویکردی تازه به این مهم نگاه کرده و «آرمان تأسیس اقتصاد اسلامی» در ایران را طرح نمایند. بر این اساس است که امام(ره) اقتصاد اسلامی را چیزی متفاوت با «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم»^{۳۴} معرفی کرده و از اندیشمندان و علمای اسلام می‌خواهند تا هر چه سریع‌تر و بهتر روش، اصول و ماهیت «اقتصاد اسلامی» را تدوین و تشریح نمایند.^{۳۵} با این حال آن چه که بدیهی می‌نماید، بنای اقتصاد اسلامی بر پایه «عدالت» استوار است و تحقق «عدالت اقتصادی» مهم‌ترین جزء چنین آرمان بلندی است.

اول - تحقق «عدالت اقتصادی» در جامعه

«عدالت اقتصادی» به زعم حضرت امام(ره) به تعدیل کل ساختار اقتصادی در جامعه منجر می‌شود به طوری که همگان به حقوق اقتصادی شرعی - قانونی خود می‌رسند و «گردن کلفت‌ها» دیگر نمی‌توانند به بهانه‌های مختلف مردم را استثمار کرده، برای خود «زندگی اشرافی» ترتیب دهند:

«اسلام است که جلو منافع شخصی را می‌گیرد. اسلام است که نمی‌گذارد این گردن

کلفت‌ها زندگی اشرافی بکنند... اسلام تعدیل می‌کند.» ۳۶

به تعبیر ساده‌تر، حکومت اسلامی بر پایه «عدالت» استوار است و این نکته ملهم

از اندیشه ناب اسلامی است که رهبران را مکلف می‌سازد تا خود را در سطح

ضعفای جامعه قرار داده، و حقوق مستضعفین را از اغنیا بستانند تا بدین ترتیب

بین افراد مختلف جامعه فاصله طبقاتی کشنده ایجاد نشود. ۳۷ امام خمینی (ره) که

رهرو صادق حضرت علی (ع) بودند با تمسک به همین اصول است که می‌فرمایند:

«من امیدوارم که حکومت اسلامی در ایران تشکیل شود و مزایایی که در حکومت

اسلامی هست بر بشر روشن گردد تا بشریت بفهمد که اولاً اسلام چگونه است...

طرز اجرای عدالت به چه صورت است و شخص اول مملکت در زندگی با رعیت

هیچ فرقی ندارد... این نوع حکومت سابقه ندارد.» ۳۸

و یا این که:

«دشمنانتان می‌خواهند که جیب‌هایشان پر شود و اسلام جیب پرکن نیست، اسلام

با ضعفاء است. اسلام آن است که امیرش می‌فرماید که من می‌ترسم در آن طرف

مملکت یک کسی گرسنه باشد، شاید آن جاها چیزی نداشته باشد بخورد، من باید

زندگی ام این باشد، خودم دلم آرام نباشد...» ۳۹

دوم - نیل به استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی از آن حیث که زمینه مناسب رشد و تعالی انسان و طرح

آرمان‌های متعالی اسلامی را در سطح جهانی، فراهم می‌آورد، همیشه مورد توجه

حضرت امام(ره) بوده است، به طوری که نیل به آن را به قیمت تحمل سختی‌ها و

مرارت‌های بسیار تکلیف شرعی - ملی ملت و دولت، معرفی می‌نمایند:

«مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن

به خودکفایی، خیلی بیش از اینها آماده صبر و فداکاری هستند و من مطمئنم که

ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و

نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کنند.» ۴۰

نکته قابل توجه آن که، اقتصاد در بینش امام(ره) نهایتاً ابزاری مفید و کارآمد

است که به هیچ وجه جنبه «زیربنایی» ۴۱ پیدا نمی‌کند، لذا آرمان اقتصادی انقلاب

اسلامی وصول به حالتی است که در آن بر اساس «توحید» - که زیر بنا را تشکیل

می‌دهد - ساختار اقتصادی به شکلی سامان بیابد که اولاً خودکفا باشد و ثانياً

بستر مناسب رشد معنوی انسان‌ها را با برآوردن نیازهای مشروعشان، فراهم

آورد. به همین دلیل است که در آخرین وصایای امام(ره) آمده است:

«وصیت من به همه، آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و

خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش روید، و بی‌تردید دست خدا با

شماست» ۴۲.

نتیجه‌گیری

«انقلاب اسلامی ایران» به رهبری حضرت امام خمینی(ره) در ادای تکلیف شرعی

آنانی که با خدا عهد بسته بودند - که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم صبر

نکرده و تا احقاق حق مستضعفان و تحقق عینی ارزش‌های الهی بر روی زمین

لحظه‌ای از پای ننشینند. ۴۳ در ایران به وقوع پیوست. البته در پرتو همین انگیزه

الهی، انقلاب اسلامی تحقق عینی آرمان‌های متعالی را در درون خود می‌پرورانید

که وجود آنها به تن خسته محرومان و عاشقان ارزش‌های الهی، گرما می‌بخشید.

اگرچه برای آگاهی از این آرمان‌ها طرق متعددی وجود دارد ولیکن چشمه‌سار

زالال کلام امام(ره) معمولاً بهترین منبع برای نیل به این هدف ارزیابی می‌شود و

به همین سبب در نوشتار حاضر ضمن بررسی مجموعه فرمایشات حضرت

امام(ره) سعی شد، اهم آرمان‌های انقلاب استخراج، دسته‌بندی و عرضه گردند.

این کار دو فایده مهم می‌تواند داشته باشد:

نخست آن که: مقاله تذکاری است برای آنانی که سعی دارند با شناسایی خط

اصیل انقلاب و معرفی آن به جامعه، از انحراف احتمالی آن ممانعت به عمل آورند.

دوم آن که: آگاهی از این آرمان‌ها ضمانتی است برای اجرای صحیح برنامه‌های

آتی انقلاب، چرا که اصول مورد اشاره همگی جنبه کلی دارند و به عبارتی «راه

انقلاب» را در فردای حیاتش به ما نشان می‌دهند. این آرمان‌ها به ما می‌گویند که

اگر حضرت امام(ره) در قید حیات بودند، در قبال مسائل پیش آمده چه سیاستی

را پیشه خود می‌ساختند و از این طریق کمکی هستند برای دست اندرکاران

اجرایی انقلاب.

با توجه به آن چه گفته شد آرمان‌های مورد نظر حضرت امام(ره) را در سه بخش

عمده مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که امام(ره) ضمن عنایت

به «وجه الله»، با واقع‌گرایی خاص خود، نیازهای دنیوی و اخروی یک جامعه اسلامی را لحاظ کرده، آرمان‌های متناسب هر یک را در طول دوره حیاتی‌شان ترسیم نمودند. به این ترتیب نخست به حوزه تربیت و فرهنگ پرداختیم، ضمن تأکید بر دو عنصر فرد و جامعه، آرمان «پرورش انسان‌هایی فرهیخته در جامعه‌ای خداپسند» را طرح نمودیم که غایت انقلاب اسلامی را شکل می‌دهد. امام(ره) در همین رهگذر به دو حوزه مهم دیگر، یعنی سیاست و اقتصاد اشاره می‌نمایند و از تحقق عدالت سیاسی و اقتصادی، تأسیس یک جمهوری اسلامی مستقل و مقتدر که در آن آزادی‌های شرعی برای همگان به منظور پرورش و تهذیب معنوی وجود دارد و گسترش اسلام به تمامی جهان، به عنوان آرمان‌های اولیه انقلاب یاد می‌نمایند. نکته قابل توجه آن که، امام(ره) به صورت تک بعدی انسان و جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار نمی‌دهند، بلکه کلیه نیازهای دنیوی و اخروی او را مد نظر قرار داده و سعی می‌نمایند در ارائه آرمان‌ها، دیدگاهی جامع و مانع را ترسیم کنند. نمودار ذیل ضمن آن که آرمان‌های انقلاب اسلامی از

دیدگاه حضرت امام(ره) را به ما می‌شناساند، کلیت و وحدت درونی آنها را نیز به

خوبی نشان می‌دهد

ب) آرمان های سیاسی انقلاب اسلامی

تحول در ساختار سیاسی نمود اولیه هر انقلاب سیاسی است، لذا می بینیم که

داعیه رهبران انقلابی ما نیز آن بود که از پی خرابی نظام شاهنشاهی، نظام

تازه ای را آورده اند که آرمان های ویژه خود را دارد. گفتنی است که تأسیس چنین

نظامی اساساً بزرگترین آرمان سیاسی امام(ره) را تشکیل می داد، چرا که بعد از

حکومت اسلامی حضرت امیرالمؤمنین(ع) تاریخ اسلام از داشتن یک «حکومت

اسلامی» به زعامت ولی آگاه، مدیر و مدبر محروم مانده بود و انقلاب اسلامی

زمینه حاکمیت چنین نظامی را فراهم آورد.

اول - تأسیس جمهوری اسلامی

«جمهوری اسلامی» در دیدگاه امام خمینی(ره) تعریف و ویژگی های خاصی دارد

که از همان ابتدا مورد تأکید امام(ره) بود.

«حکومت اسلامی حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی. در حکومت اسلامی

استقلال کامل حفظ می شود، ما خواستار جمهوری اسلامی می باشیم، جمهوری فرم

و شکل حکومت را تشکیل می دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم، که قوانین الهی

است.» ۱.

لذا اعتبار جمهوری اسلامی به «پیاده کردن احکام الهی» و «احقاق حقوق

مستضعفان» است و این که سیره عملی «حضرت رسول(ص)» و

«امیرالمؤمنین(ع)» را فراروی قرار داده، سعی در تحقق عملی آنها در عصر حاضر

بنماید.

دوم - احقاق حقوق مستضعفان

«حکومت اسلامی» بنابر نصّ الهی، خود را موظّف می‌داند که از مظلوم حمایت

کرده و بر ظالم بتازد و به نفی عملی کاربرد «پول» و «قدرت» در تعیین

سیاست‌های اجرایی نظام بپردازد. لذا می‌بینیم که ایشان با صراحت تمام

می‌فرمایند:

«بحمدالله امروز همه دست اندرکارهایمان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت

کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که

باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم... خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و

سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به

حمایت از سرمایه‌داری گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست.» ۲.

تأکید حضرت امام(ره) بر جایگاه رفیع ملت سخت کوش ایران و بیان خصال نکوی ایشان که در طول تاریخ اسلام کمتر سابقه دارد، در همین رهگذر انجام پذیرفته است و این کلام امام(ره) سرلوحه کار همه عاشقان، «خدمت به ملت» می‌باشد که:

«به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانند و در خدمت‌گزاری به آنان... فروگذار نکنند.» ۳.

سوم - جلب رضایت مردم در چارچوب فرامین الهی
در نظر امام «دولت مزاحم» نمی‌تواند یک نمونه خوب از حکومت اسلامی به حساب آید، چرا که حکمت جعل دولت رفع حوائج - دنیایی و اخروی - مردم است، لذا یک دولت اسلامی آرمانی آن است که برای مردم ایجاد زحمت نکند، بلکه با ارائه خدمات لازم، رضایت آنها را جلب نماید:

«ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستہ

گاهی موجب غضب الهی می‌شود... بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب

نظر ملت [نمود]» ۴.

به همین منظور است که امام(ره) ایجاد یک رابطه صمیمی بین دولت و مردم، ۵

عدم بهانه‌جویی و نپرداختن به کاغذبازی ۶ را جلوه‌های عملی از این وضعیّت

آرمانی مورد تأکید قرار می‌دهند.

چهارم - ایجاد فضایی مملو از صلح و دوستی

سیاست مطلوب از دیدگاه امام(ره) آن است که بتواند، سرانجام «صلح و

دوستی» را در فضای داخلی و حتی جهانی، حاکم سازد. لذا مشاهده می‌شود که

حضرت امام(ره) (آرمان بلندی هم‌چون «تحقق صلح جهانی» را هدف غایی انقلاب

اسلامی مطرح می‌سازند :

«ما صلح می‌خواهیم، ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم باشیم. ما می‌خواهیم

مسالمت با همه دنیا داشته باشیم» ۷.

البته روش نیل به این هدف را امام(ره) با وضوح تمام برای کلیه دولت‌های

جهانی تشریح می‌نماید تا ادعای فوق حمل بر ضعف و سستی و یا محافظه‌کاری دست اندرکاران انقلاب اسلامی در ایران نگردد. لذا می‌بینیم که ایشان شعار «نه ظلم می‌کنیم و نه مظلوم واقع می‌شویم»^۸ را سرلوحه برنامه سیاسی انقلاب قرار داده، با تأکید بر رسالت الهی «حمایت از مظلومان» اظهار می‌دارند که در پی ایجاد یک فضای مسالمت‌آمیز با ملل اسلامی^۹ و تمامی مردمان جهان هستند. ۱۰ با قبول این روش است که می‌توان عملکرد دوستانه ملت و دولت ایران را در قبال جامعه جهانی درک کرد، سیاستی که مبتنی بر دوستی با هر آن دولت و ملتی است که حداقل بر اساس «اصول انسانی» عمل می‌نماید.^{۱۱}

پنجم - حاکمیت بلامنازع ارزش‌های الهی و نفی تمامی اولویت‌های غیراسلامی حضرت امام(ره) از ابتدای شروع نهضت، مکرراً اظهار می‌داشتند که جامعه اسلامی باید به آن‌جایی برسد که همه خود را در قبال حضرت حق و خلق خدا مسؤول بدانند و چنان نباشد که کسی به واسطه دوستی، دارایی، توانایی و... بخواهد از زیر بار وظایف شرعی‌اش شانه خالی کند.

«این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه،

به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم، با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف

اسلام [در مملکت] نباشد» ۱۲

این اصل کلی، اول از همه شامل مسؤولین مملکتی، روحانیان، افراد ذی نفوذ و

مراتب بعدی شامل تمامی آحاد مردم می‌شود و چنان نیست که «مقام» و یا

«قدرت» کسی را معاف کرده یا تخصیص بزند، بلکه بر عکس، مسؤولیت فرد را

زیادتر می‌کند:

«با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی... به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به

عنوان معممین، یک قدم خلاف برندارند... این در نظر من از همه چیز اهمیتش

بیشتر است و مسؤولیتش هم بیشتر» ۱۳

نحوه بیان این آرمان توسط حضرت امام(ره) نیز بسیار قابل توجه می‌نماید.

ایشان ابتدا خود را مثال می‌زنند، می‌فرمایند:

در نظر امام «دولت مزاحم» نمی‌تواند یک نمونه خوب از حکومت اسلامی به

حساب آید، چرا که حکمت جعل دولت رفع حوائج - دنیایی

و اخروی - مردم است، لذا یک دولت اسلامی آرمانی آن است که

برای مردم ایجاد زحمت نکند، بلکه با ارائه خدمات لازم، رضایت آنها را جلب نماید.

«اگر من، یک پایم را کنار گذاشته، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند پایت را

کج گذاشتی، خودت را حفظ کن... توجه داشته باشند که مبدا من یک وقت یک

کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم، [آنها موظفند] اعتراض کنند، بنویسند،

بگویند» ۱۴.

سیاست مطلوب از دیدگاه امام(ره) آن است که بتواند، سرانجام

«صلح و دوستی» را در فضای داخلی و حتی جهانی، حاکم سازد. لذا مشاهده

می‌شود که حضرت امام(ره) آرمان بلندی هم‌چون «تحقق

صلح جهانی» را هدف غایی انقلاب اسلامی مطرح می‌سازند.

سپس به مقامات دولتی اشاره کرده، می‌فرمایند مردم باید مواظب انحراف‌های

احتمالی آنها باشند:

«آن روز که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت

طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا

شد... آن وقت باید جلوش را بگیرند» ۱۵.

و سرانجام به مردم خطاب می‌نمایند که خود ایشان نیز باید در طریق مستقیم

الهی بوده باشند و از هرگونه خطا و لغزشی دوری نمایند. ۱۶.

ج) آرمان‌های اقتصادی

توجه به اصل مهم تحقق عینی ارزش‌های الهی در جامعه، نه تنها امام(ره) را از

پرداختن به مسائل معیشتی مردم باز نمی‌داشت، بلکه موجب آن شد تا ایشان با

رویکردی تازه به این مهم نگاه کرده و «آرمان تأسیس اقتصاد اسلامی» در ایران

را طرح نمایند. بر این اساس است که امام(ره) اقتصاد اسلامی را چیزی متفاوت با

«سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم» ۱۷ معرفی کرده و از اندیشمندان و علمای اسلام

می‌خواهند تا هر چه سریع‌تر و بهتر روش، اصول و ماهیت «اقتصاد اسلامی» را

تدوین و تشریح نمایند. ۱۸ با این حال آن چه که بدیهی می‌نماید، بنای اقتصاد

اسلامی بر پایه «عدالت» استوار است و تحقق «عدالت اقتصادی» مهم‌ترین جزء

چنین آرمان بلندی است.

اول - تحقق «عدالت اقتصادی» در جامعه

«عدالت اقتصادی» به زعم حضرت امام(ره) به تعدیل کل ساختار اقتصادی در

جامعه منجر می‌شود به طوری که همگان به حقوق اقتصادی شرعی - قانونی

خود می‌رسند و «گردن کلفت‌ها» دیگر نمی‌توانند به بهانه‌های مختلف مردم را

استثمار کرده، برای خود «زندگی اشرافی» ترتیب دهند :

«اسلام است که جلو منافع شخصی را می‌گیرد. اسلام است که نمی‌گذارد این

گردن کلفت‌ها زندگی اشرافی بکنند... اسلام تعدیل می‌کند». ۱۹

به تعبیر ساده‌تر، حکومت اسلامی بر پایه «عدالت» استوار است و این نکته ملهم

از اندیشه ناب اسلامی است که رهبران را مکلف می‌سازد تا خود را در سطح

ضعفای جامعه قرار داده، و حقوق مستضعفین را از اغنیا بستانند تا بدین ترتیب

بین افراد مختلف جامعه فاصله طبقاتی کشنده ایجاد نشود. ۲۰ امام خمینی(ره) که

رهرو صادق حضرت علی(ع) بودند با تمسک به همین اصول است که می‌فرمایند:

«من امیدوارم که حکومت اسلامی در ایران تشکیل شود و مزایایی که در حکومت

اسلامی هست بر بشر روشن گردد تا بشریت بفهمد که اولاً اسلام چگونه است...

طرز اجرای عدالت به چه صورت است و شخص اول مملکت در زندگی با رعیت

هیچ فرقی ندارد... این نوع حکومت سابقه ندارد.» ۲۱

و یا این که:

«دشمنان می خواهند که جیب هایشان پر شود و اسلام جیب پرکن نیست، اسلام

با

حضرت امام (ره) از ابتدای شروع نهضت، مکرراً اظهار می داشتند

که جامعه اسلامی باید به آن جایی برسد که همه خود را در قبال

حضرت حق و خلق خدا مسؤول بدانند و چنان نباشد که کسی به

واسطه دوستی، دارایی، توانایی و... بخواهد از زیر بار وظایف

شرعی اش شانه خالی کند.

ضعفاء است. اسلام آن است که امیرش می فرماید که من می ترسم در آن طرف

مملکت یک کسی گرسنه باشد، شاید آن جاها چیزی نداشته باشد بخورد، من باید

زندگی ام این باشد، خودم دلم آرام نباشد...» ۲۲

دوم - نیل به استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی از آن حیث که زمینه مناسب رشد و تعالی انسان و طرح

آرمان‌های متعالی اسلامی را در سطح جهانی، فراهم می‌آورد، همیشه مورد توجه حضرت امام(ره) بوده است، به طوری که نیل به آن را به قیمت تحمل سختی‌ها و مرارت‌های بسیار تکلیف شرعی - ملّی ملت و دولت، معرفی می‌نمایند:

«مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی، خیلی بیش از اینها آماده صبر و فداکاری هستند و من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزّت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کنند.»^{۲۳}

نکته قابل توجه آن که، اقتصاد در بینش امام(ره) نهایتاً ابزاری مفید و کارآمد است که به هیچ وجه جنبه «زیربنایی»^{۲۴} پیدا نمی‌کند، لذا آرمان اقتصادی انقلاب اسلامی وصول به حالتی است که در آن بر اساس «توحید» - که زیر بنا را

تشکیل می‌دهد - ساختار اقتصادی به شکلی سامان بیابد که اولاً خودکفا باشد و ثانياً بستر مناسب رشد معنوی انسان‌ها را با برآوردن نیازهای مشروعشان،

فراهم آورد. به همین دلیل است که در آخرین وصایای امام(ره) آمده است:
«وصیت من به همه، آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و

خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش روید، و بی‌تردید دست خدا با

شماست.» ۲۵

نتیجه‌گیری

«انقلاب اسلامی ایران» به رهبری حضرت امام خمینی(ره) در ادای تکلیف شرعی

آنانی که با خدا عهد بسته بودند - که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم صبر

نکرده و تا احقاق حق مستضعفان و تحقق عینی ارزش‌های الهی بر روی زمین

لحظه‌ای از پای ننشینند. ۲۶ در ایران به وقوع پیوست. البته در پرتو همین انگیزه

الهی، انقلاب اسلامی تحقق عینی آرمان‌های متعالی را در درون خود می‌پروراند

که وجود آنها به تن خسته محرومان و عاشقان ارزش‌های الهی، گرما می‌بخشید.

اگرچه برای آگاهی از این آرمان‌ها طرق متعددی وجود دارد ولیکن چشمه‌سار

زال کلام امام(ره) معمولاً

توجه به اصل مهم تحقق عینی ارزش‌های الهی در جامعه، نه تنها امام(ره) را از

پرداختن به مسائل معیشتی مردم باز نمی‌داشت، بلکه موجب آن شد تا ایشان با

رویکردی تازه به این مهم نگاه کرده و

«آرمان تأسیس اقتصاد اسلامی» در ایران را طرح نمایند.

بهترین منبع برای نیل به این هدف ارزیابی می‌شود و به همین سبب در نوشتار

حاضر ضمن بررسی مجموعه فرمایشات حضرت امام(ره) سعی شد، اهم

آرمان‌های انقلاب استخراج، دسته‌بندی و عرضه گردند. این کار دو فایده مهم

می‌تواند داشته باشد:

نخست آن که: مقاله تذکری است برای آنانی که سعی دارند با شناسایی خط

اصیل انقلاب و معرفی آن به جامعه، از انحراف احتمالی آن ممانعت به عمل آورند.

دوم آن که: آگاهی از این آرمان‌ها ضمانتی است برای اجرای صحیح برنامه‌های

آتی انقلاب، چرا که اصول مورد اشاره همگی جنبه کلی دارند و به عبارتی «راه

انقلاب» را در فردای حیاتش به ما نشان می‌دهند. این آرمان‌ها به ما می‌گویند که

اگر حضرت امام(ره) در قید حیات بودند، در قبال مسائل پیش آمده چه سیاستی

را پیشه خود می‌ساختند و از این طریق کمکی هستند برای دست اندرکاران

اجرایی انقلاب.

با توجه به آن چه گفته شد آرمان‌های مورد نظر حضرت امام(ره) را در سه بخش

عمده مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که امام (ره) ضمن عنایت

به «وجه الله»، با واقع‌گرایی خاص خود، نیازهای دنیوی و اخروی یک جامعه

اسلامی را لحاظ کرده، آرمان‌های متناسب هر یک را در طول دوره حیاتی‌شان

ترسیم نمودند. به این ترتیب نخست به حوزه تربیت و فرهنگ پرداختیم، ضمن

تأکید بر

«عدالت اقتصادی» به زعم حضرت امام (ره) به تعدیل کل ساختار اقتصادی در

جامعه منجر می‌شود به طوری که همگان به حقوق

اقتصادی شرعی - قانونی خود می‌رسند و «گردن کلفت‌ها» دیگر نمی‌توانند به

بهانه‌های مختلف مردم را استثمار کرده، برای خود

«زندگی اشرافی» ترتیب دهند.

دو عنصر فرد و جامعه، آرمان «پرورش انسان‌هایی فرهیخته در جامعه‌ای

خداپسند» را طرح نمودیم که غایت انقلاب اسلامی را شکل می‌دهد. امام (ره) در

همین رهگذر به دو حوزه مهم دیگر، یعنی سیاست و اقتصاد اشاره می‌نمایند و از

تحقق عدالت سیاسی و اقتصادی، تأسیس یک جمهوری اسلامی مستقل و مقتدر

که در آن آزادی‌های شرعی برای همگان به منظور پرورش و تهذیب معنوی وجود

دارد و گسترش اسلام به تمامی جهان، به عنوان آرمان‌های اولیّه انقلاب یاد

می‌نمایند. نکته قابل توجه آن که، امام(ره) به صورت تک بعدی انسان و جامعه

اسلامی را مورد بررسی قرار نمی‌دهند، بلکه کلیه نیازهای دنیوی و اخروی او را

مد نظر قرار داده و سعی می‌نمایند در ارائه آرمان‌ها، دیدگاهی جامع و مانع را

ترسیم کنند. نمودار ذیل ضمن آن که آرمان‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت

امام(ره) را به ما می‌شناساند، کلیت و وحدت درونی آنها را نیز به خوبی نشان

می‌دهد.